

بررسی مفهوم قاعده درأ بر پایه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها در حقوق کیفری ایران

نرگس جان آبادی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

چکیده

هدف از این نوشتار بررسی مفهوم قاعده درأ بر پایه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها در حقوق کیفری ایران می باشد. قاعده درأ، یکی از قواعد بسیار مهم جزائی در عرصه حقوق اسلام و نظام کیفری ایران است که به کمک آن می توان ادعا کرد که در نظام اسلامی، مجازات کردن متهم به ناچار بوده و در موارد ضروری انجام می شود و در صورتی که شبهه ای وجود داشته باشد، مجازات ها باید برداشته شوند. این قاعده در صورت شک متهم به حکم قاضی و یا شک و جهل قاضی انجام می شود. در این صورت باید وحدت اصل قانونی بودن و قاعده درأ را در نظر گرفت. روش تحقیق حاضر متأثر از ماهیت موضوع و به صورت کتابخانه ای و توصیفی تحلیلی می باشد. نتایج حاکی از آن بود که حقوق جزا و مجازات اسلامی ایران مجازات مجرمانی که در گناه آنها شبهه ای وجود دارد را خلاف عدالت دانسته و معتقد است با اعمال قاعده درأ، مجازات بی گناهان به حداقل می رسد. اما از این قاعده باید به عنوان آخرین راه حل استفاده شود و قاضی زمانی از این قاعده بهره برد که با کمک هیچ روش دیگری نتوانسته به قضاوت بپردازد. در اجرای قاعده نیز نباید زیاده روی کرد و هر نوع شبهه ای را مجازات دانست. بلکه شبهه باید معقول و قابل قبول بوده و در هیچ موردی از حد خارج نشود.

واژه های کلیدی: قاعده درأ، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، حقوق کیفری ایران، عدالت

۱- مقدمه

حقوق جزا، به دلیل ارتباط نزدیک با حقوق و آزادی‌های اساسی و فردی، اهمیت بالایی در میان شاخه‌های علم حقوق دارد. مقوله جرم انگاری و تعیین مجازات که یکی از مظاهر افعال حاکمیت حکومت است، می‌تواند سلب کننده حق و آزادی فردی باشد. از این رو بررسی دقیق اجزا و عناصر جرم، تحمل مجازات، تبیین مسئولیت تنبیه و تفکیک آنها از یکدیگر اهمیت موضوع را دوچندان می‌کند (رهبری، محقق داماد، ۱۳۹۷: ص ۴۶۰). اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها یکی از اصول اساسی در حقوق کیفری است. قوانین مختلف این اصل را چه در قوانین جزایی و چه در قانون اساسی و یا حقوق ما در هر دو وارد کرده‌اند که دین مبین اسلام با آوردن حکم عقاب قبیح بدون بیان این اصل را تأیید کرده است (گندمانی، بهارلویی، ۱۳۹۷: ص ۱۲۵). با مطالعه تاریخ حقوق کیفری می‌توان دریافت که نظام های جنایی قدیم به صراحت اصل قانونی بودن جرم و مجازات را پیش بینی نکرده‌اند و حاکمان افراد را مطابق میل خود مجازات می‌کردند. مثلاً در مجموعه قوانین حمورابی به صراحت به این اصل اشاره نشده است، اما با مطالعه محتوای آن می‌توان به اشارات پراکنده‌ای به این اصل پی برد. زیرا در مواردی جرم و مجازات را مشخص می‌کند و گاه به صلاحیت دادگاه‌ها اشاره می‌کند. به عنوان مثال، جرایمی که در قانون حمورابی حکم اعدام را صادر می‌کند، جادوگری، دزدی، راهزنی، پنهان کردن برده دیگر و همچنین مجازات زنا با غرق شدن در رودخانه دجله و مجازات زنا با محارم مرگ یا تبعید بود (استادی، ۱۳۸۳: ص ۵).

در تمام نظام‌های حقوقی دنیا سعی شده است قوانین و مقرراتی وضع شود که موازین عدالت در آن یکسان باشد تا حقوق متهم بهتر تضمین شود. در نظام کیفری اسلام نیز مواردی مانند قاعده درأ وجود دارد که بیانگر آن است که در مواردی که وقوع جرم یا برخی از شرایط آن یا انتساب آن به متهم مشکوک است و دلیلی بر نفی آن یافت نشود، جرم یا شرط مذکور ثابت نشده می‌باشد. قاعده درأ مضمون صریح حدیث پیامبر (ص) بوده و از آن گرفته شده است (میرزایی، ۱۳۹۰: ص ۲۰). قاعده درأ، یک اصل مهم در فقه و حقوق جزا در راستای جرم زدایی است که به دنبال عدم اجرای مجازات متهمی است که ارتکاب جرم به نوعی مشکوک است. به نظر می‌رسد نتیجه قاعده درأ، اصل برائت است و یکی از دلایل صحت آن شمرده می‌شود. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نیز از جهاتی مشابه این دو اصل و از جهاتی متفاوت است. هدف این مقاله بررسی قاعده درأ بر پایه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در حقوق کیفری ایران می‌باشد.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- قاعده درأ

درأ در لغت به معنای دفع، تعطیل کردن و ساقط نمودن آمده است. قاعده درأ یکی از مشهورترین و پرکاربردترین احکام فقهی می‌باشد که به کمک آن می‌توان ادعا کرد که در نظام اسلامی، مجازات کردن متهم به ناچار و در موارد ضروری انجام می‌شود و در صورت ایجاد شبهه، مجازات‌ها باید برداشته شوند (استادی، ۱۳۸۳: ص ۱۱). عنصر معنوی (روانی)، یکی از پایه‌های اساسی ایجاد و تحقق هر جرمی عنصر معنوی (روانی) است که شامل دو جزء اساسی علم (آگاهی) و قصد (نیت) می‌باشد. علم نیز به حکم و موضوع تعلق دارد؛ به این معنا که اگر فردی جرمی مرتکب می‌شود، باید بداند که رفتارش جرم بوده و نسبت به موضوع آن آگاه باشد. بنابراین انسان جاهل مستحق مجازات نیست. علاوه بر ظلم بودن مجازات جاهل، بیهودگی آن نیز دلیل دیگری بر عدم مجازات جاهل است (رهبری، داماد محقق، ۱۳۹۷: ص ۴۶۰). قاعده درأ به اشتباهات قضایی و موضوعی در حقوق اسلامی می‌گویند که بازتاب روشنی در حقوق جزا و قانون مجازات اسلامی ایران دارد. آیات و روایات فراوانی وجود دارد که اهمیت این اصل را در شریعت اسلام نشان می‌دهد. آیه ۲۵ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَا تَعْذِّبُوا إِنَّا أَعْلَيْنَا رَسُولُونَ» و هرگز (امتی) را مجازات نمی‌کنیم، مگر اینکه رسولی (برای توضیح وظایفشان) فرستاده باشیم. همچنین آیه ۱۱۸ سوره شرع می‌فرماید «و ما اهل کنا من قریه الله ما عباد الله» شهر و دیاری نداری را هلاک نکردیم مگر اینکه آنان (از پیامبران خدا) انذار کنندگانی داشتند. همانطور که از آیات بر می‌آید، عذاب و نابودی امت‌های مختلف مشروط به فرستادن پیامبران و هشدارهای آنان می‌باشد. احکام مربوط

به قاعده درآ در حقوق کشور ما نیز، در مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات های اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مبحث ششم از فصل سقوط مجازات های کتاب کلیات و مواد ۲۱۸، ۲۲۳ و ۲۶۳ از کتاب حدود آورده شده است (اکرمی، ۱۳۹۹: ص ۶).

۲-۲- اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها

اصل قانونی بودن مجازات ها که از قواعدی مانند قبح عقاب بدون بیان سرچشمه می گیرد، می کوشد این معنا را بیان کند که بدون وجود قانون هیچ مجازاتی متصور نیست. در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی صراحتاً به این معنا اشاره شده است: هیچ امری را نمی توان جرم دانست مگر اینکه طبق قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا دستوری تعیین شده باشد که این اصل با دو قاعده مهم عطف به ماسبق نباشد. اگر قوانین جزایی و نیز قاعده لزوم تفسیر مضیق یا محدود از قوانین کیفری را در نظر بگیریم، متوجه خواهیم شد که از اساس این اصول و قواعد چه امنیت و آرامشی در جامعه پدید خواهد آمد. با توجه به اصل قانونی بودن جرایم (اصل ۱۶۹) و مجازات ها (اصل ۳۶) می توان بین دعاوی مدنی و کیفری تفاوت قائل شد. بدین معنا که اگر قانون در دعاوی مدنی ساکت باشد قاضی می تواند به منابع و فتوای معتبر مراجعه کند و در دعاوی کیفری فرض بر این است که قانونگذار عملی را جرم تشخیص نداده است و هیچ کس را نباید به خاطر انجام آن مجازات کرد (گندمانی، بهارلویی، ۱۳۹۷: ص ۱۳۲).

یکی از مبانی اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها، عدالت می باشد. عدالت مفهومی است که انسانها از آغاز تمدن خود به دنبال آن بوده اند و آن را آرمان و برای خود می دانسته اند و برای رسیدن به آن تلاش می کنند. کلمه عدالت معانی مختلفی دارد که هر کدام معانی در خود دارند. موقعیت، تلقی خاصی از عدالت ایجاد می کند. در فضای حقوقی بیشتر به بعد تشریعی و عدالت قضایی توجه شده و وضع قوانین و صدور احکام قضایی براساس حقوق اولیه بشر پایدار است. در قانونگذاری، شرایط شکلی قوانین را در نظر می گیرند که جدای از محتوا، برای عادل بودن قانون است. شناخت مفهوم عدالت حقوقی در گرو شناخت مفهوم حق است، زیرا عدالت چیزی جز اعطای حق همگان نیست. در معنای حق، مکاتب مختلف پاسخ های متفاوتی داده اند: از نظر حقوق طبیعی، حق اعتباری و قراردادی نیست، بلکه یک واقعیت خارجی و طبیعی است. مشروعیت این قواعد مبتنی بر سازگاری آنها با امور طبیعی می باشد. بنابراین باید این حقایق را به درستی شناسایی کرد و حقوق را متناسب با آن تعدیل کرد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عدالت در معانی مختلفی به کار رفته است. براساس اصل ۲۰ قانون اساسی، همه افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت قانون هستند و همچنین در اصول ۹ و ۱۲ اصل سه قانون اساسی نیز رفع تبعیض ناعادلانه و ایجاد تسهیلات برای همگان و ایجاد اقتصاد صحیح و عادلانه براساس احکام اسلامی یکی از مصادیق عدالت برای رفاه و فقرزدایی است. برابری، واضح و قابل فهم، کلی و مورد تایید مرجع ذیصلاح بودن، و عدم تبعیض میان مردم، از ویژگی هایی است که یک قانون عادلانه باید داشته باشد. در صورت نقض هر یک از خصوصیات فوق نمی توان خصیصه انصاف را بر قانون تحمیل کرد. عدالت و برابری در این مفاهیم به این معنی است که شهروندان بدون توجه به ویژگی های فردی آنها مانند نژاد، جنسیت، مذهب یا طبقه اجتماعی توسط یک نظام حقوقی واحد اداره می شوند (عالی پور، ۱۳۹۲: ص ۱۰).

۳-۲- قاعده درآ در اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها

یافته های اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها پشتوانه بسیار قوی برای حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی می باشد. طبق این اصل، برای جرم انگاری به نص قانون نیاز داریم یعنی تا زمانی که قانون صراحتاً فعل یا ترک فعلی را جرم نداند، آن عمل یا ترک فعل جرم نمی باشد. از سوی دیگر، قاعده درآ اشاره دارد به جهل و شک متهم در حکم قانونی و یا جهل و شک حاکم (قاضی). بنابراین اگر شک قاضی در مجرم بودن یا بی گناهی متهم ناشی از شبهه جرم بودن آن باشد، در این صورت باید قاعده درآ و وحدت اصل قانونی بودن را در نظر بگیریم. از این رو مشخص می شود که اصل قانونی بودن جرم و مجازات، زمانی که در مورد مجرمانه بودن رفتار شک داشته باشیم مورد استفاده قرار می گیرد. اما قاعده درآ زمانی اتفاق می افتد که مرتکب، حکم یا موضوع را نمی داند و هیچ شکنی نسبت به کیفری بودن رفتاری ندارد (رهبری، محقق داماد، ۱۳۹۷: ص ۴۶۵).

۴-۲- شبهه قاعده در آ در حقوق کیفری ایران

هرعاملی نظام قضایی اسلام ضمن توجه به مجازات مجرمان و متجاوزان، همواره تاکید دارد که خون مردم بی‌گناه و آبروی آنان ضایع نشود. لذا قاعده‌ای به نام قاعده در آ که برگرفته از کلام پیامبر(ص) بود مورد استفاده قرار داده شد. ایشان می‌فرماید: ادرئو الحدود بالشبهات، یعنی حدود را به وسیله شبهات دفع کنید. مجازات کردن بی‌گناهان، با اعمال این قاعده به حداقل رسیده و مجازات مجرمانی که شک و شبهه‌ای در اثبات جرم آنها وجود دارد، خلاف عدالت می‌باشد. همچنین این قاعده برگرفته از اهتمام شارع مقدس به کرامت ذاتی انسان و میل شدید به عفو در اجراست که در آن، حدود به عنوان یکی از پایه‌های متری در نظام کیفری اسلام و مجازات محدود به عنوان آخرین مرحله تعامل با مجرم می‌باشد. طبق قاعده در آ، هرگاه انتساب جرم به متهم در اثر وقوع شبهات، چه در مورد یا در حکم، مشکوک شود، قاضی مکلف به جلوگیری از مجازات است(استادی، ۱۳۸۳: ص ۱۳). طبق ظاهر قاعده در آ، مجازات به علت جهل و ندانستن، ساقط می‌شود. در واقع حدود، شامل مجازات‌هایی است که برای برخی رفتارها و نوع و مقدار تعیین می‌شود و کیفیت آن را شرع تعیین می‌کند. مانند: دزدی، زنا، مستی، و ... در این گونه جرائم اگر متهم مدعی به وجود شبهه در حکم قاضی باشد، تا زمانی که دلیل قانع کننده‌ای برخلاف آن وجود نداشته باشد، مجازات انجام نمی‌شود. فقهای شمول و عدم شمول در این زمینه دو دیدگاه کلی دارند: گروهی از آنها معتقدند این قاعده خلاف اصول بوده و شریعت مقدس آن را به خاطر رحمت و مغفرت نسبت به بندگان وضع نموده، پس فقط به معنای خاص کلمه محدود می‌شود و نمی‌توان مفاد قاعده را به سایر جرایم از قبیل قتل، کلاهبرداری و ... ربط داد. از سوی دیگر برخی دیگر از فقها معتقدند که این قاعده کلی بوده و فقط به حدود منحصر نیست و شامل همه مجازات‌ها می‌شود؛ چرا که اگر کسی از حکم شرعی یا موضوع آن جاهل باشد، مرتکب جرم نشده و مجازات نمی‌شود(رهبری، داماد محقق، ۱۳۹۷: ص ۴۶۷).

حال برای تبیین موضع حقوقی کشور نسبت به این قاعده، نیازمند بررسی شرط محتمل بودن شبهه می‌باشیم:

ماده ۱۲۰ بدون پرداختن به بیان موضوع، دستور رفع حد از شبهه را داده است. علیرغم اختصار کلمات مذکور می‌توان گفت که مجری دعاوی مطروحه در پرونده تا زمانی که شبهه ایجاد نکند، نمی‌تواند مجازات را ساقط کند. پس باید احتمال صدق در مورد آنها وجود داشته باشد. علاوه بر استفاده از مفاد ماده ۲۱۸، برای تایید این موقعیت، می‌توان ادعا کرد که در غیر این صورت و با منتفی بودن احتمال موضوع مطروحه، به این معنا که قاضی بر خلاف واقعیت آن علم دارد، شبهه نیز سالبه به انتفای موضوع خواهد شد. شبهه دارئه طبق گفته خود قانون گذار، نیازمند نبودن دلیل نافی می‌باشد؛ از این رو علم، شبهه را حذف می‌کند. اما ماده ۱۲۰ در مورد اینکه شبهه را باید براساس معیار شخصی سنجید، سکوت کرده است. بنابراین در این زمینه از دو جهت می‌توان استدلال کرد: اول استفاده از ملاک ماده ۲۱۱ که همان گونه که قانونگذار نوعی ملاک علم را به عنوان دلیل پذیرفته است، در مورد فعلی نیز همین معیار باید استفاده شود. بنابراین در صورتی که شک قاضی دادگاه بدوی در مرحله اعتراض به رأی برای مرجع قضایی وارد نشود، می‌تواند رأی را نقض کند. ذکر این مطلب نیز مفید است که در مورد علم قاضی برخلاف آنکه فقهای مشهور، علم شخصی را دلیل و حجت دانسته، قانونگذار نظر اقلیت را براساس نوعی علم در مورد شبهه، با دشواری کمتری می‌پذیرد. دوم آن است که ملاک را در فرض قبلی مورد اختلاف قرار داده، در این صورت به دلیل سکوت قانونی راه حل ۱۶۷ قانون اساسی در این زمینه موجود می‌باشد که براساس آن می‌توانید به منابع فقهی و فتوایی مراجعه کرد(کرمی، ۱۳۹۹: ص ۱۲).

۳- بحث و نتیجه‌گیری

قاعده در آ یکی از قواعد معروف و پرکاربرد در فقه جزایی است که مورد قبول مکاتب مختلف فقهی و از جمله فقه مسلمین است. با التزام به این قاعده می‌توان ادعا کرد که در نظام کیفری اسلام، مجازات پسندیده نبوده، بلکه در مواقع ضروری به آن متوسل می‌شوند و با کوچکترین شک و شبهه‌ای نیز، حدود الهی رد می‌شوند. از این رو، این قاعده بازتاب روشنی در حقوق جزا و قانون مجازات اسلامی ایران دارد؛ چرا که با اعمال این قاعده، مجازات بی‌گناهان حداقل رسیده است و مجازات مجرمانی که

در گناه آنها شبهه‌ای وجود دارد خلاف عدالت می‌باشد. از قاعده درأ، باید به عنوان آخرین راه‌حل استفاده شود. زمانی که برای قاضی شبهه‌ای ایجاد می‌شود و یا اینکه، با متون مبهم یا متضاد مواجه می‌شود، باید در کشف حقیقت آنها تلاش کند و زمانی از این قاعده استفاده کند که با کمک هیچ قاعده‌ای نتوانسته به قضاوت بپردازد. همچنین در اجرای قاعده درأ نباید زیاده روی کرد و هر نوع شبهه‌ای را مجازات دانست. بلکه شبهه باید معقول و قابل قبول باشد و مبالغه نشود و در هیچ موردی از حد خارج نشود. در باب محتمل بودن شبهه قاعد درأ و در خصوص علم قاضی نیز، برخلاف نظر فقهای مشهور که علم شخصی را دلیل و حجت می‌دانند، قانونگذار نظر اقلیت را براساس نوعی علم در مورد شبهه، با دشواری کمتری می‌تواند بپذیرد. اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها در مورد جرم انگاری اعلام می‌کند تا زمانی قانون به طور صریح فعل یا ترک فعلی را جرم نداند، آن عمل جرم محسوب نمی‌شود، پس زمانی از این قانون استفاده می‌کنیم که در مورد مجرمانه بودن رفتار و یا عملی شک داشته باشیم. اما قاعده درأ که به جهل و شک متهم در حکم قانونی و جهل و شک قاضی اشاره دارد، زمانی اتفاق می‌افتد که مرتکب به دلیل ناآگاهی نسبت به موضوع یا حکم، هیچ شکی به کیفری بودن رفتاری نداشته باشد. بنابراین در این قاعده حدود با شبهه برداشته شده و مجازات حدی تنها در صورتی اتفاق می‌افتد که هیچ گونه شک و شبهه‌ای در میان نباشد. قاعده درأ همچنین می‌تواند بیانگر مطلب جدیدی باشد. این قاعده بر دو قسم است: گاهی دلیل یا اصل شرعی مستلزم سقوط حد است و گاه دلیل یا اصل برای اثبات حد لازم است. اگر در این موارد، قانون جاری و مجازات حذف شود، پس قاعده دارای یک پیام و کاربرد جدیدی خواهد بود. مثلاً در مورد شبهه قاضی می‌توان چنین فرض کرد که شخصی که شراب نوشیده و مدعی اکراه است، ولی برای ادعای خود شاهد یا دلیلی ارائه نمی‌کند و قاضی آگاهی نسبت به ادعای نداشته و نمی‌داند راست می‌گوید یا دروغ. در اینجا اصل اختیار بودن افعال ایجاب می‌کند که مجازات شرب مست کننده بر مرد جاری شود، در صورتی که اگر قاعده درأ اجرا شود، حد برداشته می‌شود. از این رو، در نظام کیفری ایران ادعای تقصیر نسبت به حکم وجود ندارد مگر اینکه متهم ادعای خود را به طور منطقی و قابل قبول مبنی بر اینکه نسبت به حکم قانون جاهل بوده و امکان و قدرت علم به قانون را نداشته را، ثابت کند. اما در اسلام، فقه و در مجازات‌های شرعی متهم به صرف ادعای جهل تبرئه می‌شود، مگر اینکه برخلاف آن یقین حاصل شود.

منابع

۱. استادی، رضا. (۱۳۸۳). قلمرو قاعده درأ. مجله فقه اهل بیت، شماره ۲.
۲. اکبری گندمانی، حامد؛ بهارلویی، سیامک. (۱۳۹۷). اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها. فصلنامه علمی تخصصی حقوق دانشگاه اصفهان، دوره ۵، شماره ۶، صص ۱۲۵-۱۳۶.
۳. اکرمی، روح‌الله. (۱۳۹۹). شبهه موضوع قاعده درأ در حقوق ایران. آموزه های حقوق کیفری، دوره هفدهم، شماره ۲۰، صفحات ۳-۲۸.
۴. پوربافرانی، محمود؛ رستمی نجف‌آبادی، حامد. (۱۳۹۹). شمول «شبهه» در قاعده درأ. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۲، صفحات ۱۰۷-۱۳۶.
۵. رهبری، هادی؛ محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۷). تبیین قاعده درأ در حقوق کیفری ایران و نهاد معادل آن در آمریکا. فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال پنجاه و یکم، شماره دوم، صفحات ۴۵۹-۴۷۴.
۶. دانشور ثانی، رضا؛ خسروی، کاظم. (۱۳۹۵). بررسی فقهی قاعده درأ با تکیه بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. مجله مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوقی، شماره ۳۳.
۷. عالی پور، حسن. (۱۳۹۲). امنیت ملی و عدالت کیفری. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶۱.

Examining the concept of Dara rule based on the principle of legality of crimes and punishments in Iranian criminal law

Narges Janabadi

Master of Criminal Law and Criminology, Member of the Young Researchers and Elites Club, Islamic Azad University, Zahedan, Iran

Abstract

The purpose of this article is to investigate the concept of Daraa rule based on the principle of legality of crimes and punishments in Iranian criminal law. The Dara rule is one of the very important penal rules in the field of Islamic law and the Iranian criminal system, with the help of which it can be claimed that in the Islamic system, punishing the accused is inevitable and is done in necessary cases, and in case of doubt If there is, the penalties should be removed. This rule is carried out in case of doubt of the accused by the judge's ruling or doubt and ignorance of the judge. In this case, the unity of the principle of legality and the rule of law should be considered. The current research method is influenced by the nature of the subject and is library and descriptive analytical. The results indicated that Iran's Islamic penal law considers the punishment of criminals whose guilt is suspected to be against justice and believes that by applying the rule of Daraa, the punishment of the innocent will be minimized. But this rule should be used as a last resort and the judge used this rule when he could not make a judgment with the help of any other method. In the implementation of the rule, one should not overdo it and consider any kind of doubt as a punishment. Rather, the suspicion should be reasonable and acceptable and should not exceed the limit in any case.

Keywords: Dara rule, the principle of legality of crimes and punishments, Iranian criminal law, justice
